



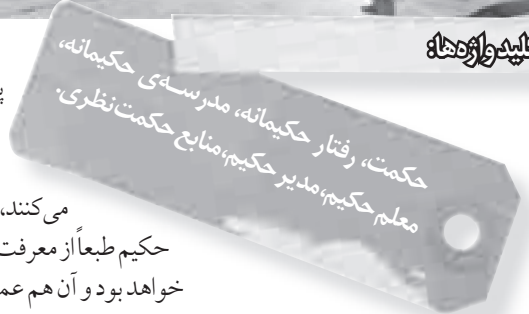
دکتر علی اکبر شعاری نژاد

گفتار و کردار حکیمانه،  
یعنی گفتار و کردار  
به موقع، به جا،  
هدفمند، مؤثر، صریح  
و صدیقانه



# در مدرسه‌ی حکیمانه

کلیدواژه‌ها:



و تقریباً بدون استثنا، نوعی استعداد (یا آمادگی) طبیعی مشترک دارند؛ البته با درجات متفاوت. و آن استعداد فرایند «شدن» (صیورت) یا تغییر یافتن است. آشکارترین نشانه‌ی این فرایند طبیعی همگانی، «افزایش سن» یا بزرگ شدن و سرانجام از بین رفتن یا به شکل دیگر درآمدن است.

وجود همین فرایند طبیعی (شدن) است که در آدمی، درجه یا میزان بسیار بالا و مداومی دارد و پیدایش ضروری فرایند «تربیت» یا آموزش - پرورش را ایجاد کرده است تا به انسان کمک کند که از تغییرات رفتاری مطلوبی برخوردار شود، استعدادهای خدادادی خود را شکوفا کند و به روش‌ها و شکل‌های سالم و موقتی مورد استفاده قرار دهد. مدیریت مدرسه‌ای که حکیمانه اداره می‌شود و از معلمان و مدیر حکیم برخوردار است، به پرسش‌هایی از این گونه، معمولاً پاسخ‌های مثبت می‌دهد و می‌تواند آن‌ها را درست تحلیل و تبیین کند:

پندارها یا افکار و عقاید شخص را منعکس می‌کنند، بنابراین شخص حکیم طبعاً از معرفت برتری برخوردار خواهد بود و آن هم عمدتاً نمایانگر ذهن سالم، پویا، فعال، بیدار و باز است. معرفت یا شکل نظری حکمت، دو

منبع بنیادی دارد:  
**الف)** منبع سرشتی یا ژنی یا آمادگی (استعداد) طبیعی  
**ب)** منبع یادگیری از الگوها.

چون مدرسه و مدرسه رفتن و تحصیل رسمی، پدیده‌های اجتماعی محیطی و آموخته هستند، بنابراین حکیم بودن یا حکیم شدن معلمان و مدیریت حکیمانه‌ی مدرسه و فعالیت‌های آموزشی آن و فعالیت‌های یادگیری محصلان، طبعاً و عمدتاً «آموخته» یا «محیطی-اجتماعی» تلقی خواهند شد که هرگونه تغییر و تحول در آن‌ها، عمدتاً امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، همه‌ی افراد بشر، شاید همه‌ی موجودات عالم،

**حکمت یعنی** دانستن این که «چه باید کرد؟» و «چرا؟» و یا «چه نباید کرد؟» و «چرا؟». مثلاً در این موقعیت، من چه باید بگویم؟ یا چه نباید بگویم؟ چرا؟ و یا من چه باید بکنم؟ چه باید نکنم؟ و چرا؟ می‌توان گفت، مفهوم مخالف «حکمت»، «حمایت» است. به عبارت دیگر، **گفتار و کردار حکیمانه، یعنی گفتار و کردار به موقع، به جا، هدفمند، مؤثر، صریح و صدیقانه** که طبعاً شکل ابتکاری خواهد داشت نه تقلیدی و طوطی‌وار. **شخص حکیم** کسی را نگویند که درس حکمت خوانده است یا مدرک تحصیلی عالی دارد، بلکه شخصی است که گفتارها و کردارهایش حکیمانه‌اند. و چون گفتار و کردار طبعاً

- آیا مقررات آموزشی - علمی و انضباطی مدرسه، به خوبی رعایت می‌شوند؟

- آیا دانش‌آموزان در تهیه و تدوین این مقررات شرکت می‌کنند؟ و به راحتی نظرهای خود را می‌گویند؟

- آیا پاداش‌ها، تنبیه‌ها و امتیازها به خوبی و عادلانه توزیع شده‌اند؟ یا توزیع می‌شوند؟

- آیا معلمان

و دانش‌آموزان در

اجرای تصمیمات

مدرسه در

حوزه‌ی آموزشی

و اداری مدرسه،

صادقانه همکاری

می‌کنند؟

- آیا همه‌ی

دانش‌آموزان در

برنامه‌های

فعالیت‌های فوق‌برنامه شرکت می‌کنند؟

و راحت از آن‌ها استقبال می‌کنند؟

- آیا همه‌ی معلمان و دانش‌آموزان

بهداشت محیط مدرسه را رعایت

می‌کنند؟ مثلاً همگان برای تمیز و سالم

نگه‌داشتن آن می‌کوشند؟

- آیا تفاوت‌های فردی معلمان و

دانش‌آموزان به خوبی رعایت می‌شوند؟

- آیا حل تعارض‌های پیش‌آمده‌ی

احتمالی، امکان دارد؟

- آیا دانش‌آموزان دارای استعدادها

یا توانمندی‌های متفاوت، به همکاری

با یکدیگر و احترام متقابل تشویق

می‌شوند؟

- آیا جوی وجود دارد که همه‌ی

دانش‌آموزان احساس کنند به جامعه‌ی

مدرسه تعلق دارند و مطروودیتی وجود

ندارد؟

- آیا دانش‌آموزان و حتی معلمان

از لحاظ بدنی و عاطفی - روان‌شناختی

احساس سلامتی می‌کنند؟



- آیا فعالیت‌های مدرسه با رغبت

درونی دانش‌آموزان متناسب‌اند؟

- آیا مدرسه از پرداختن به امور

تبلیغی پرهیز می‌کند؟

- آیا هدف‌های تربیتی مدرسه با

توجه به نیازهای واقعی - زمانی کودکان

و نوجوانان تعیین یا انتخاب شده‌اند؟ و

این هدف‌ها آینده‌نگرانه هم هستند؟

- آیا کارهای مدرسه، در رابطه با

مسائل دنیای واقعی، برای دانش‌آموزان

و حتی اولیای ایشان معنا دارند؟

- آیا فرصت‌های پژوهش و پیگردی

یا جست‌وجو برای همه‌ی دانش‌آموزان

پیش‌بینی شده‌اند تا به آن‌ها استقلال خود

از دیگران و یا تجربه‌ی «خودگردانی»

متوجه شوند و عملاً ارزش آن‌ها را

دریابند؟

- آیا همه‌ی دانش‌آموزان به یادگیری

مداوم و استفاده‌ی فعال و مؤثر از منابع

معتبر علمی - پژوهشی مانند کتابخانه

و یا رایانه تشویق می‌شوند؟ و امکانات

لازم در اختیار همه‌ی ایشان قرار

می‌گیرند؟

- آیا دانش‌آموزان به مطالعه درباره‌ی

مسائل اجتماعی روز، مثلاً برابری و

عدالت و آزاداندیشی تشویق می‌شوند؟

- آیا کلاس‌های درسی غالباً به

روش کارگاه آموزشی برگزار می‌شوند؟

- آیا دانش‌آموزان به آزمایش‌ها

و ارزیابی‌های انتقادی واقعیت‌های

اجتماعی جامعه و جهان معاصر تشویق

می‌شوند؟

- آیا از همکاری‌ها و همیاری‌های

اولیای دانش‌آموزان در برخی از

فعالیت‌های مدرسه، به موقع و خوب

استفاده می‌شود؟

- آیا معلمان می‌خواهند و می‌کوشند

و غالباً از روش‌های تدریس فعال از قبیل

حل مسئله و اکتشاف استفاده می‌کنند؟

- آیا معاینه‌های پزشکی - بهداشتی

به طور مرتب، از معلمان و دانش‌آموزان

به عمل می‌آید؟

- آیا مدرسه از شوراهای علمی -

پژوهشی با شرکت متخصصان بهره‌مند

است؟

- آیا آینده‌نگری در حوزه‌ی

آموزش - پرورش برای مدیر و معلمان

مدرسه مطرح است؟ و مهم‌تر تلقی

می‌شود؟

- آیا تربیت و تقویت مهارت‌های

اساسی زندگی دانش‌آموزان از قبیل

خوب نگاه کردن، خوب گوش کردن،

خوب سخن گفتن، خوب ارتباط برقرار

کردن، مثبت اندیشیدن، خوب خوردن،

خوب خوابیدن، خوب و سالم تفریح

کردن، شاد بودن و شاد زیستن و ...

انجام می‌گیرند؟

- آیا مدرسه پذیرفته است که مدرسه

و کلاس جایگاه زیستن هستند نه آماده

شدن برای زیستن؟

- آیا در این مدرسه، آموزش اولیا و

معلمان، بر آموزش محصلان مقدم تلقی

می‌شود؟

- آیا در این مدرسه، مغز و دست و

دل با هم و هم‌زمان تربیت می‌شوند؟

- آیا توجه تربیتی برنامه‌ها و

فعالیت‌های آموزشی، با روش‌های

علمی تحلیل و تبیین می‌شوند؟

- آیا مدیر و معلمان شخصاً

فعالیت‌های خود را با توجه به معیارهای

علمی ارزشیابی می‌کنند؟

- آیا این مدرسه، تغییر رفتارهای پیدا

شده در دانش‌آموزان را دنبال و ارزشیابی

می‌کند؟ و برای تقویت تغییرهای مثبت،

روش‌ها یا راه‌هایی را پیش‌بینی کرده

است؟

- آیا متفاوت‌اندیشی، آزاداندیشی،

فراتراندیشی، اندیشیدن خلاق و

اندیشیدن انتقادی و اظهار آن‌ها تحریک

و تشویق می‌شوند؟

- آیا مدیر و معلمان پیوسته سطح

علمی خود و دانش‌آموزان را ارتقا

می‌بخشند تا جایی که دانش‌آموزان بتوانند:

● مسائل واقعی انسان امروز را درست دریابند؛

● به مرحله‌ی خودگردانی در یادگیری (استقلال یادگیری) برسند؟

– آیا اشخاص مشهور در حوزه‌ی علوم و معارف، بدون هرگونه تعصب شخصی معرفی می‌شوند؟

– آیا معلمان به این اصل آموزشی توجه دارند که آموزش با یادگیری دانش‌آموزان (معلومات ورودی ایشان) آغاز می‌شود، لکن به سطح بالاتری می‌رسد؟

– آیا دانش‌آموزان می‌توانند حقایق اجتماعی را از اباطیل تشخیص دهند و استقلال فکری – عاطفی خود را حفظ کنند؟

– آیا مدیر و معلمان، خود را شهروندانی از جامعه، و جامعه‌رأوفه‌ای از جهان می‌دانند و به مسئولیت‌های جهانی خود نیز توجه دارند؟

– آیا معلمان در معرفی اشخاص برجسته‌ی علمی، از هرگونه تبلیغ و مقایسه و ترجیح، خودداری می‌کنند؟ و آیا مقایسه، ترجیح و احیاناً انتخاب الگویی را به عهده‌ی خود دانش‌آموزان وامی‌گذارند؟

– آیا همه‌ی دانش‌آموزان به استفاده‌ی درست و خلاق از اوقات فراغت راهنمایی می‌شوند؟

– آیا معلمان و دانش‌آموزان از تکنولوژی آموزشی برای آموزش و یادگیری استفاده می‌کنند؟ و برای ارزشمند و ضروری تلقی کردن فناوری در دنیای امروز و حل مسائل واقعی زندگی تشویق و راهنمایی می‌شوند؟

– آیا میان فعالیت‌های مدرسه و برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی و سایر وسایل آموزشی هماهنگی نسبی تربیتی وجود دارد؟

– آیا هنر و هنرمندی در این مدرسه تشویق می‌شود؟

– آیا مدیر و معلمان باور دارند و رعایت می‌کنند که شرط اساسی یادگیری، «فهمیدن» است نه صرفاً حفظ کردن و پس دادن؟ آیا باور دارند که «فهمیدن» نیز شرط اساسی «اعتقاد» یا «باور کردن» است؟

### مدیر و معلم و رفتار حکیمانه

مطالعه‌ی این‌گونه پرسش‌ها، بدون برداشت‌های غیرآموزشی از آن‌ها، و پاسخ‌های احتمالی، طبعاً ویژگی‌های مدیران و معلمان حکیم را نیز روشن می‌کند. چون بدون این‌گونه مدیران و معلمان، مدرسه حکیمانه نخواهد شد. به عبارت دیگر، مدیر و معلمان هستند که مدرسه را شکل می‌دهند و آن را به صورت یک مرکز آموزشی – علمی معتبر در می‌آورند. شاید به همین سبب است که یکی از سیاست‌مداران قدیم جهان گفته است: «**کسانی که مدارس را اداره می‌کنند، در واقع جهان را اداره می‌کنند.**»

### مدیران و معلمان حکیم

– از استقلال فکری برخوردارند و جزو اشخاص یا گروه‌های خاصی نیستند و آن‌ها را تبلیغ نمی‌کنند.

– از نوعی استقلال فکری برخوردارند که زیربنای استقلال عملی و غیرتقلیدی است و شرط عمده‌ی خلاقیت اندیشه است.

– به سبب یادگیری معتقدند و آن را در مدرسه و کلاس‌های خود تشویق می‌کنند؛ از این قرار:

- یادگیری چگونه و از کجا یادگرفتن.
- یادگیری چگونه سالم و شاد زیستن.
- یادگیری چگونه به کاربردن آموخته‌ها در حل مسائل واقعی زندگی.
- یادگیری چگونه با دیگران زیستن و افکار

و فرهنگ‌های متفاوت را تحمل کردن.

- یادگیری چگونه شهروندی فعال و مؤثر شدن.

- یادگیری چگونه جهانی اندیشیدن و بومی عمل کردن.

- یادگیری مدیریت زمان و تعارض‌های احتمالی آن.

- یادگیری چگونه متفاوت اندیشیدن، آزادمنشانه اندیشیدن، باز اندیشیدن و فراتراندیشیدن.

- به‌طور کلی، یادگیری مهارت‌های اساسی برخورداری از زندگی خودی – اجتماعی سالم و شاد، توأم با عشق، امید، ایمان، اعتماد، اعتدال و جرئت.

- یادگیری چگونه شکوفا ساختن استعدادها و رشد و گسترش دادن و سودمند ساختن آن‌ها برای خود و دیگران.

- یادگیری چگونه به دیگران در تغییر رفتارشان کمک‌کردن.

- یادگیری خودبودن، لکن خودمحور و خودمدار یا خود معیار نبودن.

- یادگیری لذت بردن از هنر و تمرین هنرمندی، خصوصاً در حوزه‌ی موسیقی

- یادگیری چگونه برخوردار شدن از صراحت، صداقت و رفاقت در ارتباط با مردم.

- یادگیری چگونه با زمان حرکت کردن و از قافله عقب نماندن و محتاج دیگران نشدن.

بدیهی است که برای برخورداری جامعه از مدیران و معلمان حکیم، دو شرط بسیار مهم و ضروری است:

**اول:** وجود مرکز تربیت معلم حکیم یا مرکز تربیت معلمان که حکیمانه اداره می‌شود.

**دوم:** تأمین همه‌جانبه‌ی معلمان و مدیران آموزشی و ارزشمند تلقی کردن آن‌ها در عمل، و رعایت احترام همه‌جانبه‌ی ایشان.

## کسانی که مدارس را اداره می‌کنند، در واقع جهان را اداره می‌کنند